۱۷۱۶۷
۸۸۸۰

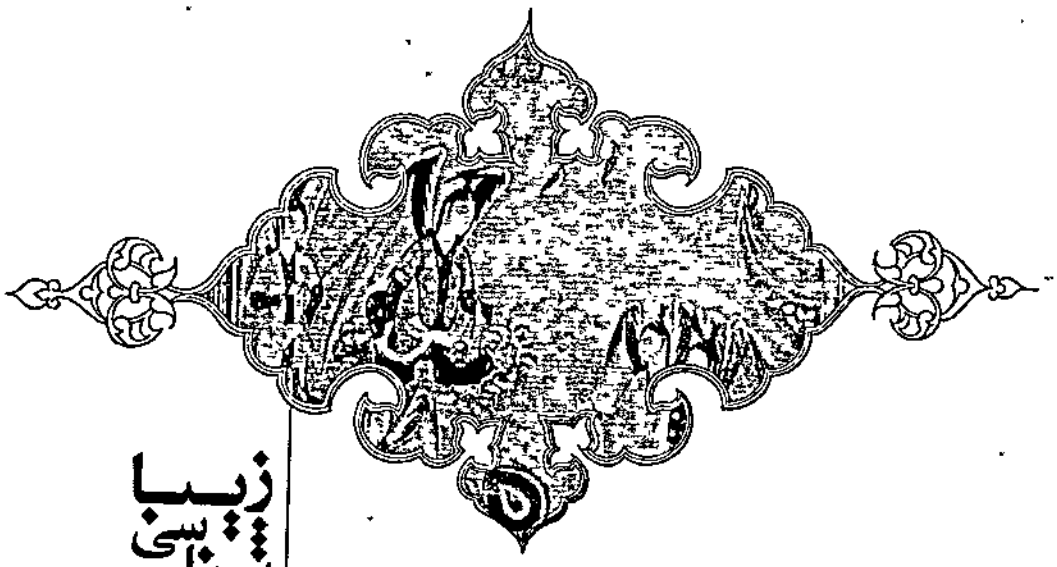

زیباشناسی نگاره‌های داستان حضرت آدم(ع)

چکیده

قرآن به عنوان اصلی ترین دست مایه هنراسلامی است. از بخش های مهم این هنر، نگارگری اسلامی است. داستان های قرآن کریم یکی از برجسته ترین عناوین مضمون قرآنی است. به همین دلیل شناخت این داستان ها ، چگونگی بیان آن ها و نحوه روایتگری این قصه ها درخور توجه است. در کتاب قصص الانبیا شرح بیشتری درخصوص جزییات این گونه داستان ها نقل شده است که دارای جاذبه و فضای دلنشینی برای خواننده است. در نسخه های مصور قصص الانبیا جایگاه هنرمندان نگارگر قابل تأمل است، چرا که به خوبی ضمن شناخت دقیق مفاهیم داستان به خیال پردازی و روایتگری تصویری داستان پرداخته است . در این مقاله با بررسی چند نمونه از نگاره های موجود سعی شده است ضمن مطالعه تطبیقی محتوی داستان‌های برگرفته از کتب تفسیر و مضامین قصه‌های قرآنی به بررسی نگاره ها با تاکید بر ویژگی زیباشناسی آنان پرداخته شود. از این میان نقش محیط های فرهنگی و اجتماع فرهیختگان در گسترش و غنی نمودن علوم قرآنی و تعامل آنان با هنرمندان تصویرگر کاملاً محسوس است. این همسویی موجب شده تا آثار نگاره ها بسیار نزدیک به داستان قرآنی و درعین حال با روح بلندپروازی هنرمندان توأم شده و دنیای زیبایی را از هماهنگی محتوی و قالب نگاره پدید آورد.

سوالات اساسی در این مطالعه شامل:

۱)هنرمند نگارگر تا چه میزان به مضامین داستان حضرت آدم (ع) احاطه داشته است؟

۲)چگونه این مفاهیم در قالب عناصر بصری و تجسمی به تصویر کشیده شده است؟

اهداف:

۱) شناخت نوع ارتباط مضامین داستانی حضرت آدم(ع) با زیباشناسی نگاره ای مرتبط قرآنی.

۲) مطالعه عناصر بصری و زیباشناسی نگاره‌های داستانی حضرت آدم (ع) در نسخ خطی مصور دوران صفویه.

روش تحقیق در این مقاله تاریخی، تحلیلی و توسعی و با مطالعه نمونه هایی تصویری و نیز منابع تفاسیر قرآنی حضرت آدم(ع) بررسی وتحلیل شده است.

کلید واژه، قصص قرآنی، حضرت آدم(ع)، نگارگری صفوی، زیبایی شناسی

□ دکتر سید ابوتراب احمد پناه

□ استادیار دانشکده هنر دانشگاه سمنان

مقدمه

هنر نگارگری ایرانی - اسلامی ، همواره از موضوعات قابل توجه محققین بوده است . بخشی از این هنر متعلق به مفاهیم دینی و مذهبی است که مهمترین منبع الهام آن ، داستان‌های قرآن کریم است . قرآن کریم کتاب آسمانی است که گفتارهای ارزنده ای را در قالب داستان‌های زیبا برای مخاطبین بیان می کند . این قصه ها سرگذشت اقوام پیشینیان را برای عبرت آموزی و تفهیم رسالت آیات بیان می کنند. قرآن کریم بدون هیچ نقصی و ایرادی و به دور از تحریف به واسطه پیامبر اکرم (ص) به یادگار مانده است. قرآن به عنوان محور و تکیه گاه اصلی هنرمندان مسلمان در خلق آثار زیبا و ماندگار جهانی در حوزه های خوشنویسی، کتاب آرایی و جلد سازی محسوب می شود. یکی از داستان‌های قرآن کریم مربوط به حضرت آدم (ع) است که پس از آفرینش او از خاک به ملائک امر می‌شود تا همگی بر او سجده کنند و در انتها نافرمانی از دستور الهی مبنی بر عدم نزدیکی به گیاه ممنوعه که منجر به خروج از بهشت و شروع زندگی زمینی بیان می گردد.[۱]

دوره صفوی را می توان اوج شکوفایی زیبایی شناسی ظرافت و خلق صور پر لطف در انواع شاخه های هنر تصویری دانست.

اندیشه اشراقی که آفرینش را تجلیگاه حق می‌داند، در پرتو حسن الهی، در می‌یابد که همسویی و قرابت و مناسبتی جدی و بنیادی تر داشته است. از آن رو که خداوند خود را در قرآن نور هستی بخش معرفی کرده است.[۲] به بیان دیگر صورت‌ها، شکل ها و نقش های ظریف و پرلطف هنر نگارگری را می توان نوعی بیان هنرمندانه معرفت اندیشه و خلاقیت اشراقی هنرمند مسلمان و ایمان عمیق و استوار او به وحدانیت، حقیقت و کلام قرآنی دانست.

در بخش داستان‌های قرآنی برخی از نسخه‌های خطی، دارای یادگارهای با ارزشی هستند که بسیاری از نسخه های مورد نظر این دوره در موزه های کشورهای مختلف جهان نگهداری می‌شود.[۳] این نگاره‌ها با توجه به فضای معنوی و مذهبی موجود در دوران صفویه، حاوی مطالب اعتقادی مرتبط بوده که از یک سو بیانگر نوع دیدگاه‌های حاکم بر این دوران است.

از جمله این نسخه‌ها می‌توان به کتبی تاریخی اشاره داشت که داستان‌های پیامبران را به تصویر کشیده‌اند.

در این مقاله سعی بر آن است تا ضمن بررسی ویژگی های این نوع از کتاب های مصور به رابطه مضمون آیات الهی و تصاویر اشاره نمود که چگونه نقاش با بهره مندی از این داستان‌ها به نقش آفرینی پرداخته است و فضای تاریخی و معنوی لازم را مطابق داستان ها به تصویر کشیده است. از آن جا که این نمونه ها فراوان و بی‌شمار هستند، لذا در این مجال پس از پرداختن به برخی از ویژگی‌های نگارگری مذهبی صفویه و معرفی نسخه‌های این دوران نسبت به تحلیل تعدادی از نگاره های کتب (مورد نظر در موضوع حضرت آدم(ع)) پرداخته می‌شود.

نگارگری مذهبی دوران صفوی

هنر نگارگری، یکی از جلوه های شکوفایی دوران اسلامی است که مورد توجه جهانیان قرار دارد به همین دلیل بسیاری از شرق شناسان و محققین هنراسلامی، مطالعات گسترده ای را در زمینه معرفی ابعاد مختلف این هنر از جمله زیبایی شناسی آن به عمل آورده اند .دراین راستا لزوم توجه بیش از پیش به این بخش از هنر اسلامی- ایرانی توسط پژوهشگران ایرانی احساس می گردد. چرا که توجه به عمق مفاهیم هنری با تسلط کافی بر ادبیات غنی ایران امکان پذیر است و بدیهی است این امر توسط بیگانگان میسر نخواهد بود.[۴]

این هنر تلاش دارد تا همان بهشت روی زمین و عدن را با تمام زیبایی‌ها و شادی های مسرت‌بخش نشان دهد و بیننده آن نیز در محیط فرهنگی ایرانی و دینی از دیدن این نگاره ها ،گوشه‌ای از لذت بهشت را درک می کند.

فضا در نگارگری ایرانی در واقع نمودار فضای ملکوتی است و اشکال و رنگ ها جلوه‌ای از همین

۱- آیات مربوط به داستان حضرت آدم(ع) در قرآن شامل سوره‌های: بقره آیات ۳۴-۳۰؛ اعراف آیه ۱۱؛ حجر آیات ۴۳-۲۵؛ کهف آیه ۵۰؛ (ص) آیات ۷۵-۷۰ و ۸۰-۷۹؛ اسراء آیات ۶۵-۶۱؛ طه آیات ۱۲۳-۱۱۵؛(حسین عماد زاده، تاریخ انبیا از آدم تا خاتم، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۸۳، صص۸۳-۸۲).

۲- سوره نور آیه ۳۵، « اَللّهُ نُورُ السَّمٰوَاتِ وَ الاَرْضِ.....» « خداوند نور آسمان ها و زمین است، .....»

۳- این موزه‌ها : مجموعه کاخ گلستان، تهران؛ کتابخانه عمومی نیویورک؛ موزه توپقاپی‌سرای، استانبول؛ مجموعه دایز، برلین؛ گالری ساکلر، واشنگتن.

۴- «آشنایی با نگارگری در عصر جدید ، بیشتر توسط اروپاییان انجام گرفته است و لذا زیبایی شناسی اروپایی و افکار فلسفی آنان در تغییر آن مؤثر بوده است ... در حالی که زمینه فکری ،فلسفی ، هنری و جهان شناسی نقاشان که این نگارگری ها را به وجود آورده اند ، کاملاً با زمینه فلسفی مفسران غربی معاصر آنان متفاوت است ... دیگر تصور فلسفه اروپایی از واقعیت ، جایی برای فضای واقعی غیر مادی باقی نگذاشته است . ولی هنر تمدن های دینی به طور کلی و مخصوصاً هنر ایرانی که موضوع بحث فعلی است با یک چنین فضایی سروکار دارد.» (سید حسین نصر، عالم خیال و مفهوم فضا در نگارگری ایرانی، فصلنامه هنر، وزارت ارشاد اسلامی ،شماره ۵۷، پاییز ۱۳۸۲، ص ۸).

عالم مثالی است. رنگ های آبی و طلایی و فیروزه‌ای، نتیجه رؤیت شهود واقعیتی غیبی است که هنرمند با شعور و آگاهی انتخاب کرده است. فضای معنوی نگارگری ایرانی ریشه در اعتقادات دینی و الهی هنرمندان آن دارد و این معنویت برگرفته از قرآن کریم و جهان‌بینی اسلامی است که هنرمندان را در ایجاد دنیای معنوی توفیق می‌دهد.

از آن جا که در دوره صفویه اعتقادات مذهبی و اسلامی را در اوج آن می توان دید، که ناشی از نگرش بنیانگذار آن، یعنی شاه اسماعیل صفوی[۵] و پس از وی پادشاهان بعدی بود، همچنان حفظ و گسترش آن رادنبال کردند. لذاهنرنگارگری نیزباهمین رویکرد مورد عنایت هنرمندان قرارداشت. نگارگری ایرانی در حوزه های مختلفی متأثر از منابع ادبی است، این متون کهن که شامل مجموعه های نثر و نظم است، حاوی موضوع های مختلفی از جمله علوم، داستان های اساطیری و قهرمانی، تاریخ و مضامین دینی و الهی است. به همین ترتیب هنرمندان نگارگر نیز هریک به تناسب موضوع های این منابع، نسبت به مصورسازی برخی از نسخه ها اقدام نموده اند. در این میان مضامین دینی از اهمیت بیشتری برخوردار بودند .از آثار برجای مانده با مضامین مذهبی در این دوره می توان به، قصص الانبیا نیشابوری، خمسه نظامی، بوستان سعدی، احسن الکبار، مثنوی آثار مظفر در سیرت رسول الله و مناجات نامه خواجه عبدالله انصاری اشاره کرد.

از جمله کتاب‌هایی که به طور جامع به داستان و زندگی پیامبران می پردازد، « کتاب قصص الانبیا» است. از این کتاب نسخه های متعددی مصور شده که در موزه ها و مجموعه های مختلف دنیا نگه‌داری می‌شود. تصاویر موجود درآن‌ها نیز دارای ویژگی های متفاوتی است. برخی از نقاشی‌های این نسخه‌ها دارای خلاقیت و نوآوری های زیبا و تعدادی نیز تنها کپی برداری از نسخه‌های دیگر هستند.

این نسخه‌ها تعدادی قدیمی‌تر و تعدادی متأخر و جدید هستند . تفاوت این نسخه‌ها با نسخه‌های قدیمی‌تر در این است که تعداد قصه ها در نمونه های قدیمی‌تر کمتر است. برخی از نسخه ها دارای نقاشی و تعدادی از آن ها بدون تصویر هستند . نسخه های قصص الانبیا بیشتر متعلق به ابواسحاق نیشابوری[۶] است ولی متون دیگری متعلق به «جویری» و «دیذوزامی» نیز وجود دارد. از نظر تصویری برخی از نسخه ها دارای اصالت، ابداع، خلاقیت و فاقد الگو در تصویر هستند و در برخی نسخه ها کپی برداری و الگو برداری دیده می‌شود.

اجزاء این نقاشی‌ها شامل تصویر پیامبران، یاران و دشمنان، فرشتگان و ابلیس و نیز عناصر و اشیایی در زمینه هستند. در این تصاویر معمولاً پیامبران با هالهٔ روی سر مشخص می شوند. هاله به صورت شعله های نور و به شکل مخروطی دیده می شود و در مواردی نیز به صورت دایره روی سر قرار دارد. در برخی نیز شکل هالهٔ روی سر زنان و مردان متفاوت است (تصاویر ۲،۳،۴ و۶). البته استفاده از هاله در تمام تصاویر دیده نمی‌شود. در برخی از صحنه‌ها این هاله از روی سر پیامبران حذف شده است که به نظر بیانگر شرایط خاصی از وضعیت پیامبران است. مثلا در نمونه، حضرت آدم (ع) هنگام خروج از بهشت، فاقد هاله است (تصاویر ۵ و ۷)، بنابراین استفاده یا عدم استفاده از هاله، بستگی به دید خلاقانهٔ هنرمند از متن داستان دارد. لباس‌های مختلف به سبک‌ها و رنگ های گوناگون ، از جمله دیگر ویژگی‌های این تصاویر است. استفاده از لباس به رنگ قرمز، آبی و یا سبز برای پیامبران دیده می شود. استفاده از تاج بر روی سر پیامبران و به تخت نشستن و حکمرانی به عنوان شاخص پادشاهی، مشاهده می گردد. استفاده از روبند بر چهرهٔ پیامبران از الگوهای موجود در این نقاشی ها است.

ابلیس نیز به عنوان بزرگ‌ترین دشمن انسان‌ها و پیامبران ، اغلب پوستی تیره رنگ و کلاهی بلند دارد . شیئی نیز به شکل طناب دور گردن او قرار دارد که شبیه مار تا جلوی گردن او ایستاده است. لباس او بعضاً کوتاه و به رنگ زرد یا قرمز است و در برخی موارد همچون داستان حضرت آدم(ع) و خروج از بهشت ، ویژگی های فرشته گونه دارد و بال های نیم سوخته و کوتاه و یا شنل سرخ رنگی به تن دارد.[۷]

- ترکیب‌بندی نقاشی‌ها غالباً ایستا و شخصیت‌های آن متحرک و پویا هستند. بیشتر عناصر غیر ضروری حذف شده‌اند و شخصیت‌های اصلی، بزرگتر از دیگران دیده می‌شوند. در این ترکیب‌ها، معمولاً فضای نقاشی به دو قسمت بالای خط افق و زیر آن تقسیم می گردد و پیامبران معمولاً در بالای خط افق و گناهکاران در زیر آن قرار می گیرند.

۵- شاه اسماعیل هنرمندان کارگاه «یعقوب بیک آق قویونلو» را به خدمت گرفت. در این دوره چند نگاره به خمسه نظامی عهد ترکمنان اضافه و یک نسخه شاهنامه مصور شد. در دوره شاه طهماسب«شاهنامه طهماسبی۱۵۲۶/ ۹۳۳ »و «خمسه طهماسبی۱۵۴۳/ ۹۵۰ »توسط هنرمندانی چون سلطان محمد ، میر مصور، آقا میرک، میرزا علی، میر سید علی ، عبد الصمد و چند تن دیگر بوجود آمد. برادرزاده شاه طهماسب و حاکم خراسان، ابراهیم میرزا کارگاهی در مشهد برپا کرد و استادان مکتب تبریز چون میرزا علی،مظفر علی، آقا میرک و شیخ محمد را به خدمت گرفت و آنان هفت اورنگ جامی را مصور کردند. (بررسی نمادهای نور و فرشته ... در فرهنگ ایران و نگارگری دوره تیموری و صفوی، مهناز شایسته فر، تاجی کیایی، دوفصلنامه مطالعات هنر اسلامی شماره دو، ۱۳۸۴، ص۳۸).

۶- ابواسحاق ابراهیم منصوربن خلف النیشابوری ثعلبی، از اهالی نیشابور بود. وی از ابوطاهربن خزیمه، ابوبکربن مهران مقری و ابومحمد مخلدی روایت کرده است. از آثار او «عرایس المجالس فی قصص الانبیاء، «الکشف و البیان فی تفسیر القرآن» معروف به تفسیر کبیر یا تفسیر ثعلبی، « تاج العرایس» و «ربیع المذکرین»؛ برگرفته از پایگاه آفتاب، ۱۱:۱۵و ۸۷/۶/۳۱

www.aftab.ir/lifestyle

7-Milsten, Rashel, Karin Ruhrdanz, Barbara Schmitz, *Stories Of Prophets*, California :Mazda Pubishers, 1999, p 28.

در خلق این نقاشی‌ها، علیرغم وجود طرح هایی برای نقاشی، نبایستی از سلیقه‌های شخصی آنان و دیدگاه‌های فردی غفلت ورزید. این تفاوت ها ریشه در شوخ طبعی، عشق به حقیقت، نحوهٔ مطالعه متن و عمق درک مفاهیم آن داستان توسط هنرمند نقاش دارد. تعدادکثیری از آنان بسیار هوشمندانه و خلاقانه با موضوع داستان ها برخورد کرده و نکات زیبا و قابل توجهی را لحاظ کرده اند و درعین حال در القاء عقاید خود نیز موفق بودند. برخی نیز مفاهیم معنوی را مد نظر قرار داده و تعدادی نیز، با کاربرد عناصر روزمره و سرشار از رنگ، مفاهیم زمینی را موضوع اصلی داستان قرار داده اند. برخی نیز با تقسیم داستان به چند مرحله، سعی در ایجاد فضای چند بخشی از داستان دارند. عده ای نیز با تلفیق فرازهایی از قصه در یک تصویر، ترکیبی زیبا و گویا را خلق کرده اند.

شکل گیری نقاشی‌های « قصص الانبیا » و عناصر تشکیل دهنده، نشان از آن دارد که نقاشان بر نوع از تعدادی منابع مختلف بهره گرفته‌اند که سهم عمده متعلق به متون منابع مصوری چون کتاب های رشید الدین، طبری، بلعمی، حافظ ابرو، جویری و قزوینی است.. بر اساس مطالعات انجام شده بر روی نسخه‌های موجود قصص الانبیا، متقدم‌ترین و متأخرترین نسخه‌های موجود تنها هشت سال (یعنی بین سال های۱۵۸۱-۱۵۷۴/ ۹۸۹-۹۸۲) با یکدیگر فاصله دارند.

تصویر۱: داستان آفرینش، کتاب حبیب السیر، قطع رحلی، مجموعه کاخ گلستان.

بررسی نمونه داستان های حضرت آدم (ع) در نسخ مذهبی مصور صفویه

به جرأت می توان گفت که در میان اقوام و فرهنگ های گوناگون ، هیچ قالب بیانی به قدر قصه، نافذ و مؤثر نبوده است. این تأثیر آنگاه که با بلاغت و اعجاز وحی همراه شود، بسیار بیشتر خواهد بود. در طول تاریخ اسلام، مردم از همین قصه‌های قرآنی درس گرفته، پیام آموخته اند، ادبیاتی مستقل برنهاده‌اند و با آن‌ها زیسته اند. در همان آغاز دعوت نیز، قصه‌گویی قرآن از ابزارهای تبلیغی آن بود.[۸]

قصهٔ قرآن به نماها و بخش‌های مختلف تقسیم شده و میان آن‌ها شکاف‌های خالی و ناگفته باقی می‌ماند، تا فرصت تصویرگری و قرینه‌سازی را به خواننده بدهد و او بتواند سیاق رویدادها را، در بخش‌های بعدی در ذهن ترسیم کند. برترین نمونه‌های این تدوین در قصه‌های حضرت یوسف (ع)، مریم ، سلیمان و اصحاب کهف به چشم می خورد.[۹]

داستان آدم (ع) نیز در بسیاری از متون کهن اسلامی و سایر ادیان آمده است و در نسخ خطی مصور نیز، تعدادی از آن را می‌توان مشاهده نمود. پردازش تصاویر داستان، با تفاوت‌هایی انجام گرفته است. برخی از این تصاویر با دقت بیشتر و با بهره گیری از جزئیات متن و تعدادی نیز بر اساس سلایق شخصی هنرمندان و بعضاً با اختلافی از محتوای اصلی، صورت پذیرفته است.

داستان حضرت آدم در ضمن سوره های «بقره» ،«اعراف»، «حجر»، «طه» و «ص» بیان شده است. در این داستان به خبر آفرینش آدم (ع) ، دعوت خداوند از فرشتگان برای سجده کردن آدم و سرپیچی ابلیس از این امر ، نافرمانی آدم و بیرون راندن از بهشت و پشیمانی و توبه می توان اشاره کرد. در داستان آفرینش انسان و چگونگی حضور او در بهشت و نیز فرمان خداوند به فرشتگان به جهت سجده کردن به این آفریده جدید، می توان به نگاره شماره ۱ متعلق به کتاب « حبیب السیر»[۱۰] جلد اول اشاره کرد. این کتاب در مجموعه کاخ گلستان (به شماره ثبت ۲۲۳۷) و در قطع رحلی و به خط نستعلیق وجود دارد و دارای تصاویر متعددی است.

در موضوع آفرینش جهان، دو نوع موجود دیده می شوند. تعدادی فرشته در بالای نقاشی و تعدادی موجودات دیگر، احتمالا «جن‌ها»، در پایین قرار دارند. در این نگاره فرشته بزرگ‌تر که به نظر جبرئیل باشد، خبر آفرینش انسان را مژده می دهد. تصاویر جن‌ها با عنایت به آفرینش آن ها از آتش، شبیه انسان هستند با این تفاوت که شعله‌هایی از آتش در چشم‌ها ، صورت و کمر آن ها دیده می شود. در میان آنها رنگین‌پوستان نیز دیده می شوند که حاکی از تفاوت فردی و خصوصیات آنان است. از نظر مکان قرارگیری در این نگاره، آنان در قسمت پایین ودر فضای پست زمینی دیده می شوند و بالعکس فرشتگان و ملائک در زمینه بنفش روشن و به صورت سیال در آسمان، در مکانی رفیع دیده می شوند.

نقاش علاوه بر پرداختن به عناصر و موجودات اصلی داستان، در میان صخره ها، حیوانات و موجوداتی را نیز با رنگ های ملایم صورتی، بنفش و آبی نقاشی کرده است. آسمان این نقاشی، لاجوردی رنگ است و با ابرهای طلایی و نورانی که شاید نشان از عالم الهی، نورانی و آسمانی دارد، مزین شده است. بدن موجودات زمینی، پرمو و با موهای بلند (مشکی، قهوه ای و سرخ رنگ) پوشیده شده و در قسمت پایین تنه با پوششی ساده از پارچه های رنگی که به کمر بسته شده نقاشی شده است..

نماد نور، به زیبایی در چهره و پیکره این.موجودات مشاهده می شود که در اصل تصویر بسیار درخشنده و زیبا است. تقسیم بندی تصویر به گونه‌ای است که اگر تصویر را به ۳ قسمت تقسیم کنیم، تقریباً موجودات زمینی در یک سوم پایین و فرشتگان در یک سوم وسط و آسمان و کوه‌ها در بخش بالای تصویر قرار گرفته‌اند. این تقسیمات ترتیب قرار گرفتن عرش الهی، جایگاه فرشتگان و سایر مخلوقات را نشان می دهد.

نگاره بعدی از همین کتاب، اختصاص به آفرینش انسان و حضور او در جمع فرشتگان دارد. در این نگاره (شماره۲) حضرت آدم (ع) در مرتبه بالا و با کرامت بر تخت نشسته است و هاله نورانی که قبلاً به آن اشاره شد، در بالای سر او دیده می شود. در بخش پایینی تخت، فرشتگان در حال سجده بر حضرت آدم (ع) هستند.

برخی از نویسندگان قصص الانبیا معتقدند، تخت پادشاهی وی در مکانی که در حال حاضر «مکه» قرار دارد، برپا بوده است و صندلی وی در محل حاضر «کعبه» قرار داشته است. همان فضای

۸ - در ارتباط با ویژگی های قصه های قرآنی، سید قطب هدف استفادهٔ قرآن از قصه را چنین بیان می کند. ضمن تعقیب آن هدف اصلی، گاه مناسبتی ایجاب می‌کند که داستان برگزیده‌ای به اندازه و شیوهٔ متناسب، با زیبایی هنری راستین، ایراد شود. لیکن نه براساس خیال‌پردازی و قصه‌آفرینی، بلکه براساس ابتکار و آفرینش هنری در چگونگی گزارش و با اتکا به واقعیت‌های قاطع تغییرناپذیر؛ (سید قطب، فی ظلال القرآن، جلد یک، ترجمه آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای، تهران، انتشارات ایران، ۱۳۶۲، ص۱۰۳).

۹- همان، صص۴۲-۴۱.

۱۰- «حبیب السیر فی اخبار افراد البشر» مهم‌ترین کتاب از آثار غیاث الدین خواندمیر از رجال معروف هرات است و شامل وقایع عمومی از خلقت تا سلطنت شاه اسماعیل صفوی(۹۳۰/۱۵۲۴) می باشد. (شورای گسترش زبان فارسی، ۱۲:۱۵و ۸۷/۶/۳۱ و www.persian-language.org).

ملکوتی و الهی که آسمان لاجوردی با ابرهای طلایی رنگ، در بالای تصویر و حدفاصل زمین و آسمان به صورت گنبدی شکل دیده می‌شود.

داستان حضرت آدم (ع) در قصص الانبیا نیشابوری[11] با شرح و بسط بیشتری توصیف و به برخی از جزئیات آن از جمله، مقام والای انسان در بهشت و نیز فرمان خداوند مبنی بر سجده فرشتگان بر آدم (ع)، اشاره شده است.[12]

وجود درختان و پرندگان بهشتی، فضای نشاط آوری را به وجود آورده است. فرشتگان، همگی بال های خود را به نشانه احترام، گشوده و به زمین گذارده اند و مشغول سجده انسان هستند. در میان آن ها، یکی از فرشتگان که احتمالاً ابلیس باشد، به حالت نشسته سر را به بالا گرفته و به انسان نگاه می کند، گویی به این شکل نافرمانی خود را بیان کرده است. چهره تیره رنگ او و لباس های زرد و سرخ و بال های سرخ وسیاه، همگی نشان از عصیان او دارد و بیانگر عدم تمکین فرمان الهی و سجده انسان به دلیل آفرینش او از خاک و برتری آفرینش ابلیس از جنس آتش است.

ترکیب بندی زیبای این نگاره از نظر هندسی، و نیز رنگ آمیزی بسیار موزون آن، فضای مناسبی را برای بیان داستان به وجود آورده است. بنایی با شکوه و نیز تختی مجلل و پوشش فاخر حضرت آدم (ع) (لباسی سرخ رنگ با شنلی لاجوردی) و هاله ای بلند از نور بر روی تاج سر او، که همچون پادشاهی با عظمت دیده می شود از ویژگی های خاص این نگاره است. به سجده افتادن فرشتگان و اطاعت بی چون و چرای فرمان الهی، فضای معنوی زیبایی را به بیننده منتقل می کند. از سوی دیگر طغیان شیطان با جدا کردن خود از جمع فرشتگان، موجب خروج او از درگاه الهی گردیده است.

نگاره شماره ۳ از قصص الانبیا نیشابوری، موجود در کتابخانه عمومی نیویورک، تصویر دیگری از آدم و حوا است در حالی که با لباس های فاخر و زیبا در باغ مصفای بهشت روی تخت مجلل نشسته‌اند. فرشتگان ملازم آن ها هستند و گرداگرد آن ها با ظرف های طعام وشراب بهشتی مشغول پذیرایی هستند. روی سر حضرت آدم (ع) تاج زیبایی به همراه شعله نورانی به نشانه پیامبری قرار دارد. درختانی زیبا با شکوفه‌های رنگی و سرو کشیده‌ای در میان آن دو، در مرکز نگاره دیده می شوند. آسمان طلایی رنگ با ابرهای لاجوردی و مواج، به روحانیت فضای بهشتی کمک شایان توجهی کرده است.

نوع دیگری از تصویر، فضای بهشت را در حالی که حضرت آدم (ع) روی تخت و در میان فرشتگان نشسته است، در نگاره شماره ۴ از قصص الانبیا نیشابوری نشان می دهد که اکنون در موزه توپقاپی سرا استانبول نگهداری می‌شود. پوشش شاهانه به همراه تاج پادشاهی و هالهٔ نورانی در بالای سر حضرت آدم (ع)، از ویژگی‌های تقریباً ثابت این سبک از نقاشی‌ها است. در این تصویر فرشتگان گرداگرد حضرت آدم (ع) جمع آمده اند و یکی از آن ها، مشغول اهداء تاج به وی است. از جمله ویژگی های این نگاره گشوده شدن بال دو فرشته طرفین حضرت آدم (ع) است که به صورت متقارن یکی از بال‌های خود را گشوده و ترکیب زیبایی از حمایت و مراقبت نشان می دهد. در این تصویر دو سرو بلند و کشیده، در پشت حضرت آدم (ع) قرار دارد به گونه ای که محدوده کادر را طی کرده و به بیرون از آن امتداد یافته اند.

بخش دیگری از داستان حضرت آدم (ع) که مورد توجه نقاشان و تصویرگران بوده است رانده شدن آدم (ع) و حوا از بهشت است که در قرآن و احادیث به آن اشاره شده است.[13] در کتب «قصص الانبیاء» و «فالنامه»[14] به تفضیل به جزئیات این بخش از داستان حضرت آدم (ع) پرداخته شده است. پس از اینکه ابلیس از فرمان خداوند سر باز زد و از درگاه الهی بیرون رانده شد، قسم یاد کرد تا بشر را از صراط مستقیم گمراه کرده و انتقام خود را از او بستاند و چون اجازه ورود به بهشت را نداشت، با حیله و نیرنگ خود وارد بهشت شد و آدم را وسوسه کرد.[15]

۱۱- از کتاب قصص الانبیا نیشابوری، هفده نسخه در سده‌های پانزدهم- شانزدهم/ نهم-دهم مصور شده است که در موزه‌های کشورهای مختلف جهان از جمله: ۱) مجموعه دیز، برلین؛ ۲) نسخه دابلین، کتابخانه چیستربیتی ایرلند؛ ۳) موزه هنر هاروارد؛ ۴) نسخه استانبول، کتابخانه سلیمانیه؛ ۵) مجموعه کر، لندن؛ ۶) نسخه لندن، کتابخانه بریتانیا؛ ۷) نسخه نیویورک، مجموعه اسپنسر؛ ۸) نسخه پاریس، کتابخانه ملی پاریس (۲ نسخه)؛ ۹) نسخه موزه توپقاپی سرای، استانبول (۷ نسخه)؛(معصومه صداقت، پیامبران اولولعزم در نگاره‌های قصص الانبیا ابواسحاق نیشابوری، دو فصلنامه مطالعات هنر اسلامی، تهران، موسسه مطالعات هنر اسلامی، سال چهارم، ش ۷، زمستان ۱۳۸۶، ص ۲۷).

۱۲- « تا آنگاه که حق تعالی از بهشت تخت فرستاد از زر سرخ و گوهرها در او نشانده، لباس حریر و تاج بر سر آدم نهاده و بر تخت نشاند و آن هفتصد هزار فرشته که به زمین بودند، یا ابلیس همه را فرمود، که آدم را سجده کنید»؛ (ابواسحاق ابراهیم منصوربن خلف النیشابوری ، قصص الانبیاء، حبیب یغمائی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی ، ۱۳۸۶،ص ۹)

۱۳- شرح داستان در قرآن در سوره‌های بقره آیات ۳۸-۳۵؛ طه آیات ۱۲۳- ۱۱۵؛ اعراف آیات ۲۴-۱۹؛ و در احادیث ائمه ذکر شده است. (حسین عماد زاده، تاریخ انبیا از آدم تا خاتم، پیشین، صص۸۴-۸۳ و ۱۰۶-۱۰۴ و ۱۱۰).

۱۴- فال‌نامه کتابی در زمینه فالگیری است که برای مشورت و پیشگویی به کار می‌رود. متن کتاب از داستان‌های عامیانه، با مجموعه‌ای بسیار ناب از تاریخ انبیا ترکیب یافته است. نسخه‌ای از کتاب که به امام صادق (ع) نسبت داده می‌شود در تبریز یا قزوین و در سال ۹۵۷/۱۵۵۰ تهیه شده و اکنون در مجموعه «رورو» در لندن نگه‌داری می‌شود. (مهناز شایسته فر، هنر شیعی، تهران، موسسه مطالعات هنر اسلامی، ۱۳۸۴، ص ۱۷).

۱۵- در باب چگونگی ورود ابلیس به بهشت، آمده است: «آنگاه چون حکم ملک تعالی بیامد، ابلیس لعنت الله به در بهشت آمد و کسی را طلب همی کرد و از جنبندگان بهشت که وی را همی شناخته بودند، آنگاه هر که را بخواند ، اجابت نکرد. آخر طاووس را بدید ،گفت مرا به تو حق هاست، که مرا با تو دوستی بود در بهشت، مرا در بهشت یله کن و مرا در خویشتن پنهان کن و پیش آدم بر، تا حیلتی بسازم و دشمن خود را از بهشت بیرون کنم. طاووس گفت من این نیارم کرد. لیکن تو را دلالت می کنم پس بیامد و مار را گفت و او را پیش ابلیس برد. ابلیس راز خویش با وی گفت. مار نرم شد و آن ملعون را در سر خود جای داد، بیامد برابر تخت آدم و باوی سخن آغازیدن گرفت و فریفتن گرفت.آدم (ع) پنداشت که این مارست که سخن همی گوید»؛ (ابواسحاق ابراهیم منصوربن خلف النیشابوری، قصص الانبیا، حبیب یغمائی، پیشین، ص ۱۹).

در نقاشی‌های این بخش، مرحله خروج از بهشت و سپس توبه و تضرع حضرت آدم (ع) و حوا به تصویر کشیده شده است. در این نمونه ها بهشت به صورت بنایی مجلل و فضایی سرسبز و خرم با درختی عجیب و خاص نشان داده شده است. آدم (ع) و حوا پس از پوشاندن خود به وسیله برگ درختان، به صورت پیاده یا در حال دویدن و یا سوار بر موجوداتی چون طاووس و اژدها و مار (یعنی همدستان ابلیس)، در حال خروج از بهشت هستند. در چند نمونه علاوه بر وجود شخصیت‌های اصلی داستان، سربازی از بهشت نیز آنان را در خروج مشایعت می کند. از آن جا که در این بخش از داستان، اشاره دارد به این که تمامی اشیاء بهشت و فرشتگان آنقدر آن ها را ملامت کردند تا ناچار به فرار می شوند. در تعدادی از نمونه ها مانند نگاره شماره ۵ از قصص الانبیا نیشابوری، موجود در مجموعه دایز برلین (به شماره A, 3.fol)، شخصی از اهالی بهشت با دست و یا قطعه ای چوب به شکل عصا، در حال خارج کردن حضرت آدم (ع) از بهشت است.[۱۶] البته در این نمونه ها، جبرئیل از بالای ساختمان دأخل بهشت و یا از پشت تپه، با نگرانی و تأثر از این واقعه، مشغول نگاه کردن است. در حالی که یکی از بال‌های خود را به سمت آدم (ع) گشوده و در حدود سر او حائل کرده است. جدول کشی نگاره نیز متناسب با محل خروج حضرت آدم (ع) انجام گرفته است.

ابلیس[۱۷] در نقش‌های مختلف همچون قدم زدن با آنان، نگریستن از زاویه دور یا حتی در حال پرواز، به صورت فرشته‌ای با دستان گشوده به سمت آسمان و با حالتی حاکی از نارضایتی چشمگیر، نقاشی شده است.

در نگاره شماره ۶ از کتاب فالنامه، موجود در گالری ساکلر واشنگتن (به شماره ۲۵۶ -۸۶۰۸) و متعلق به مکتب تبریز یا قزوین، صحنه دیگری از خروج آدم و حوا را از بهشت نشان می‌دهد. وجود اژدها به جای مار در برخی از نمونه ها نیز دیده می‌شود. سوار شدن آدم (ع) و حوا بر روی دو حیوان یعنی اژدها و طاووس می تواند بازگوی وسیله فریب و خروج آن ها از بهشت باشد و یا به تعبیر دیگر اژدها، سمبل نفس سرکش انسان و طاووس، بیانگر نماد دنیا طلبی و فریبندگی آن باشد.[۱۸] به هر تقدیر این دو حیوان نمادین، در اغلب نقاشی‌های این صحنه دیده می شوند.

در این نمونه، فرشتگان در دو سوی مسیر خروج آن ها ایستاده اند و با نگرانی نظاره گر این صحنه هستند. ابلیس با هیبت پیرمرد مو سفید، در گوشه سمت چپ پایین تصویر حضور دارد. آدم (ع) و حوا با بدن عریان که تنها با چند برگ بدن خود را پوشانده اند دیده می شوند. نکته قابل توجه آنکه علیرغم خطای آنان و خروج از بهشت، کماکان هاله نورانی بر بالای سر آنان دیده می شود.[۱۹]

از همین نمونه‌ها نگاره شماره ۷، از قصص الانبیا نیشابوری است که در موزه توپقاپی سرا (به شماره H.1225) نگهداری می‌شود. در بیان این بخش از داستان در قصص الانبیا آمده است که «پس از شنیدن صدای ناله و پشیمانی آنان، جبرئیل حاضر شد و پر خود را بر سر آدم (ع) کشید.»[۲۰] در این نگاره جبرئیل در قسمت بالا سمت راست، با بال گشوده بر سر آدم (ع)دیده می شود. از میان افراد بهشتی، فردی با عصا به وی حمله آورده و قصد اخراج او را از بهشت دارد. حرکت بالا به پایین آن ها در ترکیب بندی تصویر می تواند تداعی کنندهٔ رانده شدن و هبوط از بهشت باشد. حوا نیز سوار بر طاووس در حال خروج از بهشت دیده می شود. تنیده شدن اژدها پیرامون آدم (ع) و نیز دلبستگی حوا به طاووس نیز از دیگر جلوه های بیانی این نگاره می‌باشد که نقاش به خوبی به تصویر کشیده است . فضای پر ترک و پیچیده، آرامش برهم خورده بهشت را نشان می دهد.

۱۶- در متون فارسی و قصص بیشتر تأکید بر خصایص معنوی آدم(ع) است و می گویند تمامی آنان که در بهشت حضور داشتند ، به دنبال این بودند که به آدم (ع) ضربه ای وارد سازند. لیکن به محض دیدن نور نبوت در پیشانی وی، اظهار کردند که هنوز این نور محو نشده است. بنابراین کسی حق تعرض به وی را ندارد

۱۷- «ابلیس»نام موجودی است که در داستان خلقت آدم، بر او سجد نکرد و با وسوسه های خود او را از بهشت بیرون نمود. او در قرآن نماد تمرد است. ابلیس از فرمان الهی سرپیچی کرد در حالی که اطاعت و فرمانبرداری آن است که هر چه مولا فرمان داد بی درنگ اطاعت شود. قرآن از ابلیس پس از سرپیچی او دو تعبیر زیبا آورده که بیانگر آن است که اصولاً ابلیس از همان آغاز، اهل توحید نبوده و هرگز به معنای واقعی آن سجده نکرده است. از این رو می فرماید: او از کافران بود. (بقره آیه ۳۴) به این معنا که او از قبل نسبت به خداوند کافر بود و در این آزمون تنها آن کفر نهان خویش را آشکار کرده است. در آیه ۱۱ سوره اعراف نیز می‌فرماید: فَسَجَدُوا اِلا اِبلیسَ لَمْ یَکُنْ مِنَ السّاجِدینَ؛ همگان سجده کردند جز ابلیس که از سجده کنندگان نبود. در این آیه به این نکته ظریف توجه داده شده که وی اصولا اهل اطاعت و فرمانبرداری و سجده نبوده است. (سبحان پورمنصوری، سجده نماد اطاعت از خداوند، برگرفته از پاشگاه اندیشه، ۹:۲۴ و ۸۷/۱/۳۱ و www.bashgah.net/pages

۱۸- محدث مداری محبوبه، تصاویر در قرآن (سمبول، تمثیل، اشاره)، پایان نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما ابوتراب احمدپناه، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۴، صص ۱۵۴ و ۱۰۶ در باب چگونگی ورود ابلیس به بهشت آمده است: «آنگاه چون حکم ملک تعالی بیامد، ابلیس لعنت الله به در بهشت آمد و کسی را طلب همی کرد و از جنیدگان بهشت که وی را همی شناخته بودند، آنگاه هرکه را بخواند، اجابت نکرد. آخر طاووس را بدید ،گفت مرا به تو حق هاست، که مرا با تو دوستی بود در بهشت، مرا در بهشت یله کن و مرا در خویشتن پنهان کن و پیش آدم بر، تا حیلتی بسازم و دشمن خود را از بهشت بیرون کنم. طاووس گفت من این نیارم کرد. لیکن تو را دلالت می کنم پس بیامد و مار را گفت و او را پیش ابلیس برد. ابلیس راز خویش با وی گفت. مار نرم شد و آن ملعون را در سر خود جای داد، بیامد برابر تخت آدم و باوی سخن آغازیدن گرفت و فریفتن گرفت.آدم (ع) پنداشت که این مارست که سخن همی گوید؛» (ابواسحاق ابراهیم منصور این خلف النیشابوری، قصص الانبیا، حبیب یغمائی، پیشین، ص ۱۹).

۱۹- چنانچه در مثنوی معنوی، مولانا جلال الدین آورده است که «طاووس نفس است و تو را اغفال کرده و می کوشد تا انسان را از جایگاه معنویت دور سازد. بنابراین سواری کردن استعاره ای جهت کنترل تمایلات نفسانی یا هدایت به سمت گناه در پشت تمایلات وگرایشات شیطانی است.»

۲۰- ابواسحاق نیشابوری، قصص الانبیا، به اهتمام حبیب یغمایی، پیشین،صص ۲۱-۲۰.

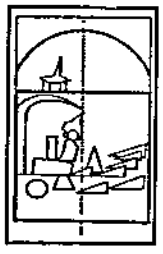

تصویر۲: سجده آدم(ع) توسط فرشتگان، حبیب السیر، قطع رحلی، مجموعه کاخ گلستان.

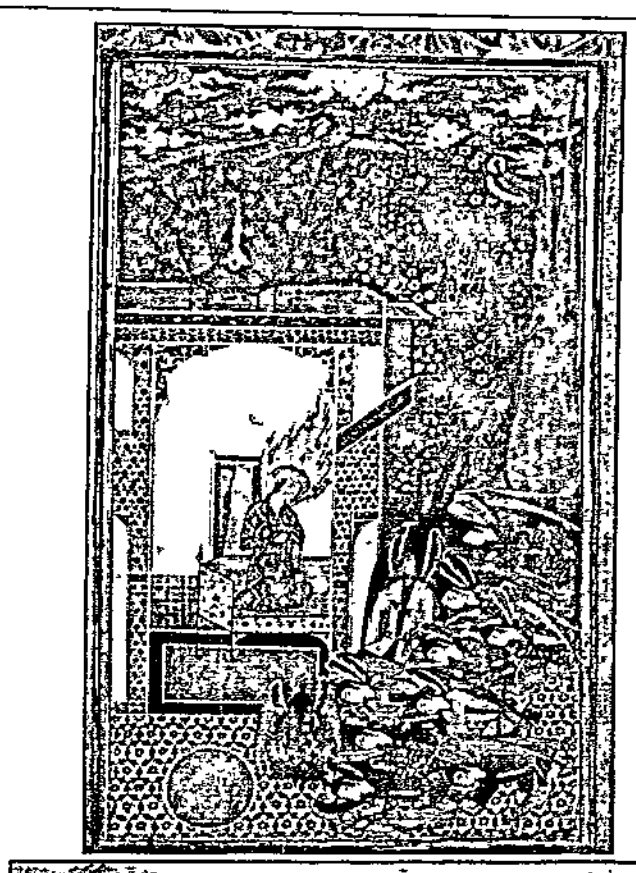

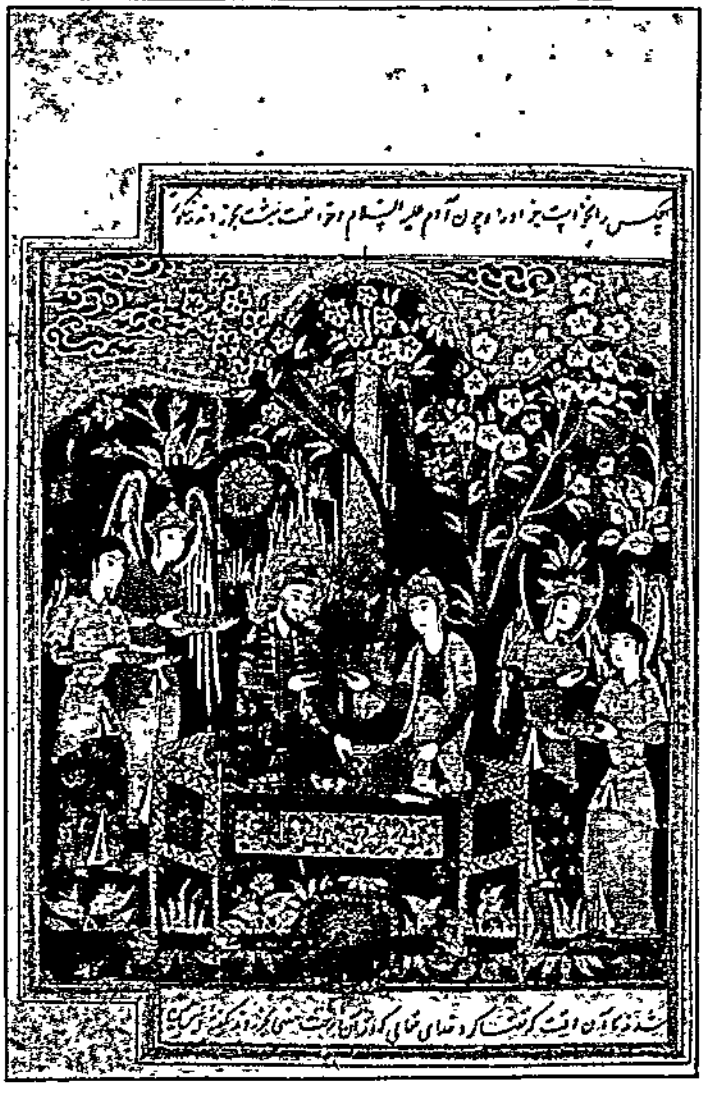

تصویر۳: آدم و حوا در بهشت، قصص الانبیا نیشابوری، کتابخانه عمومی نیویورک.

تصویر۴: چپ، آدم در بهشت، قصص الانبیا نیشابوری، موزه توپقاپی سرا، استانبول.

تصویر۵: پایین، آدم و حوا در حال خروج از بهشت، قصص الانبیا نیشابوری، مجموعه دایز، برلین.

تصویر۶: آدم و حوا در حال خروج از بهشت، فالنامه، گالری ساکلر.

تصویر۷: آدم و حوا درحال خروج از بهشت، قصص الانبیا نیشابوری، موزه توپقاپی سرا، استانبول.

نگاره شماره ۸ مربوط به نسخه دیگری از قصص الانبیا نیشابوری در موزه توپقاپی سرا (به شماره R.۱۵۳۶)، صحنه پس از خروج آنان را از بهشت در حالی که گناهکاران پشت در بسته بهشت نشسته‌اند را نشان می دهد. به صورت نمادین با نمایش یک در بسته، طاووس، مار و آدم (ع) و حوا به صورت برهنه که هر یک با یک برگ خود را پوشانده‌اند به خوبی درماندگی و غربت این واقعه را به تصویر کشیده است. حریم بهشت در پشت در قرار دارد و جبرئیل که از بالای در با نگرانی به آن ها نگاه می کند حسرت خود را از این نافرمانی به وسیله انگشت در دهان نشان می دهد. ضمناً ابلیس نیز در پایین تصویر، با چهره‌ای کریه و زشت، نظاره گر این صحنه است. از جمله عناصر نشان دهنده ابلیس، طنابی به دور گردن اوست که به تعبیری نمادی از مار و یا غل و زنجیر است. این تصویر با تقسیم کادر به دو قسمت در پایین، فضای اصلی داستان و چهره زمینی و پست را نشان داده است، در حالی که قسمت بالا به شکل فضای بهشت الهی دیده می شود. با وجود درختان و یک درختچه دایره شکل در سمت چپ بالا و نیز وجود فرشته، این مکان دقیق‌تر توصیف شده است.

در برخی از تصاویر، هنوز بر سر آدم (ع) هاله نورانی نبوت وجود دارد و در مواردی این هاله نیز ترسیم نشده است که شاید بیانگر لحظه رانده شدن از درگاه الهی است و وجود هاله نشانه پذیرش توبه و مقام نبوت است. در خصوص عاقبت خروج آدم (ع) و حوا و سرگذشت آنان نیز در قصص الانبیا مطالبی آمده است.[۲۱]

تصویر۸: خروج آدم و حوا از بهشت، قصص الانبیا نیشابوری، موزه توپقاپی سرا، استانبول.

۲۱- آدم (ع) بر کوه «ندیب» افتاد و حوا «بجده» و طاووس به مرغزار هند و مار به کوه ندیب و پس از گریه و زاری آدم (ع) و بخشیده شدن وی از سوی حضرت حق؛ آنگاه آدم (ع) به مکه آمد و جبرئیل با وی، هر کجا ایشان قدم بنهادند، شهری گشت و آبادی، تا به موقف رسیدند و آدم (ع) حوا را همی طلب می‌کرد. پس حق تعالی حوا را الهام داد تا به کوه موقف رسیدند و آدم (ع) او را بیافت و هر دو از محنت دنیا و با آفتاب و هوای دنیا، سوخته بودند که یکدیگر را نشناختند تا جبرئیل آدم (ع) را خبر داد که این است حوا. آدم (ع) او را شناخت. از بهر آن است که آن موضع را «عرفات» خواندند. پس آن جا بیستادند و جبرئیل ایشان را بیاموخت تا دعا کردند. (همان، صص۲۳- ۲۲).

نتیجه‌گیری

عهد صفوی در تاریخ ایران زمین، جلوه‌ای از هنر متعالی ایرانی- اسلامی را به نمایش گذاشته است. این هنر از معماری تا تمامی شاخه‌های هنرهای تجسمی و کاربردی گسترش یافته است. وجود فضاهایی معنوی و دینی و علاقه‌مندی حکمرانان به این مقوله موجب گردید تا علاوه بر گسترش مساجد عظیم و زیبا، به نسخه‌های خطی و مصورسازی برخی از آنان نیز همت گمارده شود. از جمله این منابع، داستان‌های قرآنی و پیامبران را می‌توان نام برد که مورد توجه حامیان بوده و سفارش کتابت و مصورسازی آن را داشتند.

وجود فضای فرهنگی لازم و نیز بسط و گسترش این مفاهیم در بین فرهیختگان جامعه باعث گردید تا علاوه بر توسعه این کتاب ها، هدایت لازم در خصوص چگونگی تصویرسازی آن صورت پذیرد. این نقاشی‌ها عمدتاً در کارگاه‌های بزرگ و با حضور جمعی از هنرمندان صورت پذیرفته است و از بهترین هنرمندان بهره گرفته‌اند.

در این دوره، با وجود مکاتب مختلف نگارگری، نمونه‌های بسیار زیبایی در دسترس است که علاوه بر زیبایی بصری، خلاقیت بالای هنرمندان در انتخاب بخش‌های داستان و چگونگی پردازش آن با توجه به مفاهیم قرآنی نیز به خوبی دیده می شود.

یقیناً این تصاویر در انتقال موضوع داستان و ایجاد فضای معنوی آن در مخاطبین تأثیر بسزایی داشته و از سوی دیگر موجب زیبایی و تنوع نسخه های خطی گردیده است. ظرافت هنری دوران صفوی، پختگی و تکامل فرم و رنگ و فرهنگ غنی و کیفیت بالای هنری باعث گردید تا این بخش از هنر دوران صفوی نیز همانند بقیه انواع هنر از درخشش ویژه ای برخوردار گردد. موارد فوق را در نمونه داستان حضرت آدم (ع) می توان مشاهده نمود. بخش های این داستان شامل خلقت انسان و حضور در بهشت الهی و سپس عوامل نافرمانی و خروج آنان و هبوط به زمین و نهایتاً پذیرش توبه و بخشش آدم (ع)، همگی به خوبی و در راستای داستان تصویر شده اند و نشان از آگاهی هنرمند، از زوایای دقیق داستان، بر پایه تفسیر کتاب «قصص الانبیاء» دارد. این آگاهی با خلاقیت هنرمند و دست توانای او در ترسیم نگاره های زیبا، مشهود است. که می توان این تصاویر را روایتگری تصویری داستان نام نهاد.

فهرست تصاویر

تصویر۱: داستان آفرینش،کتاب حبیب السیر، قطع رحلی، مجموعه کاخ گلستان، منبع نگارنده.
تصویر۲: سجده آدم(ع) توسط فرشتگان، حبیب السیر، قطع رحلی، مجموعه کاخ گلستان، منبع نگارنده.
تصویر۳: آدم و حوا در بهشت، قصص الانبیا نیشابوری، کتابخانه عمومی نیویورک، منبع ش ۱۴.
تصویر۴: آدم در بهشت، قصص الانبیا نیشابوری، موزه توپقاپی سرا، استانبول، منبع ش ۱۴.
تصویر۵: آدم و حوا در حال خروج از بهشت، قصص الانبیا نیشابوری، مجموعه دایز، برلین، منبع ش ۱۴.
تصویر۶: آدم و حوا در حال خروج از بهشت، فالنامه، گالری ساکلر، واشنگتن، منبع ش ۱۳ .
تصویر۷: آدم و حوا درحال خروج از بهشت، قصص الانبیا نیشابوری، موزه توپقاپی سرا، استانبول، منبع ش ۱۴.
تصویر۸: خروج آدم و حوا از بهشت، قصص الانبیا نیشابوری، موزه توپقاپی سرا، استانبول، منبع ش ۱۴.

فهرست منابع

۱- حسینی، سید ابوالقاسم (زرفا)، مبانی هنری قصه های قرآن، تهران، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما ، انتشارات پارسیان، چاپ اول، ۱۳۷۷.
۲- خلف النیشابوری، ابواسحاق ابراهیم منصوربن، قصص الانبیا، حبیب یغمائی، تهران، بنگاه ترجمه ونشر، چ پنجم، ۱۳۸۶.
۳- سید قطب، فی ظلال القرآن، ترجمه آیت الله سید علی خامنه‌ای، تهران، انتشارات ایران، چ ۱، ۱۳۶۲.
۴- شایسته فر، مهناز، تاجی،کیانی، بررسی نمادهای نور و فرشته راهنما یا پیرفرزانه در فرهنگ ایران و نگارگری در دوره تیموری و صفوی، تهران، دوفصلنامه مطالعات هنر اسلامی، سال اول، شماره دو، تابستان۱۳۸۴ ، صص ۵۰-۲۹.
۵- شایسته‌فر، مهناز ، هنر شیعی، تهران، موسسه مطالعات هنر اسلامی، ۱۳۸۴.
۶- صداقت، معصومه، پیامبران اولولعزم در نگاره‌های قصص الانبیا ابواسحاق نیشابوری، دو فصلنامه مطالعات هنر اسلامی، تهران، موسسه مطالعات هنر اسلامی، سال چهارم، ش ۷، زمستان ۱۳۸۶، صص ۴۶-۲۳.
۷- عکاشه، ثروت، نگارگری اسلامی، غلامرضا تهامی، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، حوزه هنری ، ۱۳۸۰.
۸- عمادزاده، حسین ، تاریخ انبیا از آدم تا خاتم، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۸۳.
۹- فعال عراقی نژاد، حسین، داستان‌های قرآن و تاریخ انبیا در المیزان، تهران، نشر سبحان، چاپ دوم، جلد ۱و۲، ۱۳۷۸.
۱۰- قرآن کریم، ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای، تهران، انتشارات حُر، چ اول، ۱۳۷۸.
۱۱- مداری‌محدث، محبوبه، تصاویر در قرآن (سمبول، تمثیل، اشاره)، پایان نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما ابوتراب احمدپناه، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۴.
۱۲- نصر، سید حسین ، عالم خیال و مفهوم فضا در نگارگری ایرانی ، تهران ، فصلنامه هنر، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، شماره ۵۷ ، ۱۳۸۲.
13- Eleanor, Sims, *Peerless Images, Persian Painting and its Sources*, London, i.b.tauras, 2000.
14- Milsten, Rashel, Karin Ruhrdanz, Barbara Schmitz, *Stories Of Prophets*, California, Mazda Pubishers, 1999.

سایتها

۱۴- پایگاه آفتاب، www.aftab.ir/lifestyle
۱۵- شورای گسترش زبان فارسی، www.persian-language.org
۱۶- باشگاه اندیشه، www.bashgah.netpage